

تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور[□]

بهرام اخوان کاظمی^۱

چکیده

هدف: پرسش پژوهش حاضر درباره مفهوم علم نافع است و اینکه منظور از علم و دانش متعارف، مقبول و ممدوح در منابع اسلامی چه علمی است و علم مزبور در آموزه‌های اسلامی و به ویژه روایی، دارای چه اختصاصات و ویژگی‌هایی است و پژوهندگان دانش اعم از معلمان و متعلمان از چه صفاتی باید برخوردار باشند. نوشتار حاضر با بررسی تمامی روایات شیعی در باب علم و باهدف ترسیم الگویی اسلامی برای تبیین دانشی که با وصف «نافع» و «خیر» در روایات اسلامی ذکر شده، به رشته تحریر درآمده است. **روش:** روش توصیفی-تحلیل اسنادی است. **یافته‌ها:** علم نافع، دانشی در مسیر عبودیت الهی و احیای دین و مطابق و هماهنگ با فطرت و عقلانیت و در جهت خیر و صلاح و مصالح دینی و دنیایی و دارای رویکرد کاربردی و مخالف هواهای نفسانی و برخوردار از جنبه‌های فراحسی و شهودی است. **نتیجه‌گیری:** نگارنده بر این باور است که تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور خواهد بود و علم‌پژوهی متعالی، آن هم در تمامی عرصه‌ها اعم از حوزه علوم انسانی و غیر انسانی منوط و مبتنی بر تحصیل علم نافع است و تبیین روایی و تعریف عملیاتی ویژگی‌های پیش‌گفته علم نافع، مبنی اصول و راهبردهای علم‌پژوهی متعالی است.

واژگان کلیدی: روایات، علم نافع، عبودیت، تقوا، تعلیم و تعلم، علوم انسانی، علم کاربردی، اصلاح، خیر.

□ دریافت مقاله: ۱۳/۱۰/۸۹؛ تصویب نهایی: ۱۶/۵/۹۰

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز/ آدرس: شیراز، میدان ارم، پردیس ارم، دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی/ شماره: ۶۲۸۷۳۱۱-۰۷۱ / Email: kazemi@shirazu.ac.ir

■ مقدمه

امر به تعلیم و تعلم و دانش پژوهی در بسیاری از آموزه‌های قرآنی و روایی مورد تأکید ویژه قرار گرفته؛ اما همواره یکی از مباحث مطرح در حوزه معرفت‌شناسی و مهندسی علمی کشورمان و حتی عالم اسلامی این بوده که منظور از علم و دانش متعالی، متعارف، مقبول و ممدوح در منابع اسلامی، چه علمی است؟ آیا این دانش فقط در حیطه الهیات و علوم الهی است یا علوم دقیقه و تجربی و سایر علوم انسانی را هم در بر می‌گیرد؟ اساساً دانش پژوهی و تعلیم و تعلم متعالی و کارآمد، در آموزه‌های اسلامی و به ویژه روایی، چه اختصاصات و ویژگی‌هایی دارد؟ و پژوهندگان دانش - اعم از معلمان و متعلمان - از چه صفاتی باید برخوردار باشند؟

با نگاهی کوتاه به روایات اسلامی، به خوبی فهمیده می‌شود که علم مقبول و ممدوح، با صفت «نافع» مورد اشاره قرار گرفته و مؤید این سخن، آن است که پیامبر مکرم اسلام (ص) بارها از علم نافع سخن رانده‌اند؛ همچنان که فرموده‌اند: «خیر العلم ما نفع» (شیخ صدوق، ۱۴۰۰، ص ۳۹۴)؛ بهترین علم آن است که فایده‌بخش باشد. از زید/بن/رقم نقل شده است که پیامبر خدا (ص) همواره اظهار می‌فرمودند: «اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع و من قلب لا یخشع و من نفس لا تشیع و من دعوه لا یتجاب لها» (عبدالقوی مندری، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۲۴)؛ بارخدا! به تو پناه می‌برم از دانشی که سود نبخشد و از دلی که خاشع نباشد و از نفسی که سیر نشود و از دعایی که پذیرفته نشود.

همچنین از امام علی (ع) روایت شده است که فرمودند: «لا خیر فی علم لا ینفع» (نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۹۳)؛ هیچ خیری در علم غیر سودمند نیست. بدین ترتیب در نهج البلاغه و بسیاری از روایات اسلامی، چنین علم منطبق با معروف اسلامی، با صفت «علم نافع» مورد تنویر و تبیین واقع شده و از صفات متقین به شمار آمده است.

این نوشتار با هدف ترسیم الگویی اسلامی برای تبیین علم «نافع» و «خیر» به رشته تحریر درآمده و بنا بر سؤال اصلی تحقیق، مفروض و مدّعی خود را چنین طرح می‌کند که: «به نظر می‌رسد منظور از علم متعالی، مقبول و ممدوح در روایات اسلامی، علم نافع است و این علم و ویژگی‌های آن، مانند در مسیر عبودیت الهی، عقلانی، کاربردی و خیر بودن و برخورداری از خصیصه اصلاح‌گری و هماهنگی با فطرت و ضدیت آن با هواهای نفسانی و ...، به خوبی در آموزه‌های روایی تعریف شده است و تعاریف علم نافع، در بر دارنده نوعی مهندسی و الگوسازی برای اکتساب و آموزش و تعلم و تعلیم دانش در جامعه اسلامی است». بر این مبنا می‌توان از نتایج چنین پژوهشی، به عنوان یکی از راهکارهای مهم علم‌آموزی صحیح و

منطبق با آموزه‌های اسلامی در عرصه‌های علمی، دانشگاهی و حوزوی سود جست و وحدت رویه و اتحاد واقعی حوزه و دانشگاه را از این منظر جستجو و محقق ساخت.

به باور و مدّعی این نوشتار، تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور خواهد بود و علم‌پژوهی متعالی، آن هم در تمامی عرصه‌ها - اعم از حوزه علوم انسانی و غیر انسانی - منوط و مبتنی بر تحصیل علم نافع است.

▪ پیشینه و روش تحقیق

در زمینه موضوع این نوشتار، پژوهش بایسته‌ای مشاهده نشد؛ فقط در یکی دو اثر به طور جسته و گریخته اشارات بسیار کوتاهی به این موضوع شده است. استاد مهدی گلشنی از جمله کسانی است که سعی کرده مفهوم «علم اسلامی» و برداشتهای متفاوت از آن را تبیین کند (گلشنی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶-۱۷۵). همچنین وی در کتاب «قرآن و علوم طبیعت»؛ با تأکید بر ملاک «مفید بودن» علوم، تلاش کرده نشان دهد توصیه‌ای که در کتاب و سنت در مورد فراگیری علم شده است، منحصر به معارف خاص شریعت اسلام نیست، بلکه هر علمی را که برای بشر مفید باشد شامل می‌شود (گلشنی، ۱۳۷۸، ص ۲۵). ایشان معتقدند:

«ما طبقه‌بندی علوم به شرعی و غیر شرعی (و یا دینی و غیر دینی) را نمی‌پسندیم؛ زیرا همچنان که استاد شهید مرتضی مطهری به حق متذکر شده‌اند (مطهری، ۱۳۴۱، ص ۱۳۷) طبقه‌بندی مذکور این توهم را پیش می‌آورد که علوم غیر شرعی از اسلام بیگانه‌اند و این با جامعیت اسلام جور در نمی‌آید. دینی که مدّعی تأمین سعادت کامل بشر است و خود را خودکفا می‌داند، نمی‌تواند نسبت به چیزهایی که در تأمین رفاه و استقلال جامعه اسلامی نقش حیاتی دارند بی تفاوت باشد...» (گلشنی، ۱۳۷۸، ص ۹)

از سویی، استاد مطهری هم یکی دو اشاره به مبحث علم نافع داشته‌اند؛ از جمله اینکه: «جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضا می‌کند که هر علم مفید و نفعی را که برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است علم دینی بخوانیم». (همان، ص ۹)

شایان ذکر است در برخی جوامع روایی شیعی مانند میزان‌الحکمه (محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ص ۴۸۴ و ۵۰۷) و الحیاه (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۰)؛ به ذکر اجمالی و بدون تفصیل و تشریح برخی روایات در باره عالمان غیر نافع یا علم نافع پرداخته شده که رافع خلأ تبیین‌های لازم در این باره نیست.

در مورد روش این پژوهش باید اظهار داشت که مفهوم لغوی و محتوایی علم نافع و مترادفها و متضادهای آن، با مراجعه به کتب و نرم‌افزارهای احادیث تشیع (گنجینه روایات نور، ۱۳۸۵)، به روش کتابخانه‌ای بررسی و تحلیل شد. در حقیقت؛ تمامی کتب روایی شیعی اصلی و فرعی، شامل بیش از ۲۴۰ عنوان کتاب و نزدیک به ۴۰۰ مجلد آن هم با ۸۱ هزار باب در موضوعاتی مانند عقاید، تفسیر، فقه، اخلاق، تاریخ، دعا،

تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور ♦ ۷

طب، فضایل و مناقب، دقیق و موشکافانه بررسی و بر اساس دریافت قاصر نگارنده از ذخایر عظیم اهل بیت(ع)، مدخل حاضر در تبیین علم نافع، تدوین شد.

▪ فضیلت علم نافع

علم‌آموزی از مسلم‌ترین و پسندیده‌ترین معروفات اسلامی است که هم آیات الهی و هم روایات معصومین(ع) به وضوح بر آن تصریح فرموده‌اند. قرآن در آیه ۹ سوره زمر، اهل علم و دانشمندان را به هیچ وجه با نادانان یکسان نمی‌شمارد و فهم این نکته را از ویژگی‌های خردمندان به شمار می‌آورد؛^۱ همچنان که در آیه ۱۱ سوره مجادله آمده است که خداوند متعال، مقام اهل ایمان و دانشمندان را رفیع می‌گرداند.^۲ همچنین در روایات متعددی، علم به عنوان سرسلسله و غایت بسیاری از خیرات و فضایل به شمار آمده است و - همان طور که شواهد آن ارائه خواهد شد - بدون شک منظور از چنین علمی، علم نافع است. به عنوان نمونه، پیامبر اکرم(ص) در فضیلت دانش، بیانات فراوانی دارند؛ از جمله فرموده‌اند:

«العلم رأس الخیر کله، والجهل رأس الشرّ کله» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۷، ص ۱۷۵)؛ علم در رأس همه امور خیر قرار دارد؛ همچنان که در رأس همه امور شر، جهل جای گرفته است.

«العلم حیاة الاسلام و عمادالدین» (متقی، ۱۴۲۴، ش ۲۸۶۶۱)؛ علم مایه حیات اسلام و ستون دین است.

«طلب العلم افضل عندالله من الصلاة و الصيام و الحج و الجهاد فی سبیل الله». (همان، ش ۲۸۶۵۵)

«طالب العلم رکن الاسلام و يعطى اجره من النبیین» (همان، ش ۲۸۷۲۹)؛ جوینده دانش، رکن اسلام است و به او همانند پیامبران اجر و پاداش داده خواهد شد.

«اقرب الناس من درجه النبوه، اهل العلم و الجهاد» (فیض کاشانی، بی‌تا، ص ۱۴)؛ نزدیک‌ترین مردم به درجه نبوت، اهل علم و جهاد هستند.

«العلم افضل من العباده» (متقی، ۱۴۲۴، ش ۲۸۵۷)؛ علم از عبادت با فضیلت‌تر است.

«فضل العالم علی العابد کفضل القمر علی سائر النجوم» / «ان الفضل العالم علی العابد کفضل الشمس علی الکواکب» (مجلسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹)؛ فضیلت و برتری عالم بر عابد، همانند برتری و فضیلت ماه و یا خورشید بر سایر ستارگان است.

«والذی نفس محمد بیده، العالم واحد اشدّ علی ابلیس من الف عابد لانّ العابد لنفسه و العابد لغيره» (متقی، ۱۴۲۴، ش ۲۸۹۰۸، محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۶۱)؛ قسم به آن کسی که جان محمد در دست اوست، تحمّل وجود یک عالم برای شیطان از تحمّل هزار عابد، سخت‌تر است؛ زیرا [فایده] عابد برای

۱. «قل هل ینتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون انما ینتکرا اولوالالباب».

۲. «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات».

نفس خویش است و [فایده] عالم برای دیگران است. چنین تعابیر ارجمندی از مقام علم و جویندگان دانش، در کلام امام علی (ع) نیز بارها وارد شده است؛ از جمله فرموده‌اند: «رأس الفضائل العلم، غایه الفضائل العلم» (محمدی ری شهری، بی تا، ج ۷، ص ۴۴۷)؛ علم در رأس همه فضایل قرار دارد.

«لا شرف كالعلم» (نهج البلاغه، دشتی، ص ۴۷۰، حکمت ۱۱۳)؛ غایت همه فضایل، علم است.
 «لا كنز انفع من العلم» (مجلسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۵)؛ هیچ شرفی و هیچ گنجی مانند علم نیست.
 «العلم حياه» (محمدی ری شهری، بی تا، ج ۷، ص ۴۵۲)؛ علم، مایه حیات است.
 «العلم افضل هدايه» (همان، ص ۴۴۸)؛ برترین و با فضیلت‌ترین هدایت، علم است.
 «العلم مصباح العقل» (همان)؛ چراغ عقل، دانش است.
 «العلم حرز» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۷۲)؛ علم، دژی مستحکم است.
 «رأس العلم التمييز بين الاخلاق و اظهار محمودها و قمع مذمومها» (محمدی ری شهری، بی تا، ج ۶، ص ۵۲۸)؛ سر و رأس دانش، متمایزسازی اخلاق و اظهار موارد پسندیده آن و از میان برداشتن اخلاقیات ناپسند و مذموم است.

بدیهی است چنین تکریمی از علم، فقط مختص علم نافع است که در روایات بسیاری از ائمه معصومین (ع) نیز به آن تصریح شده است؛ از جمله امام باقر (ع) فرموده‌اند: «عالمی که از علم او منفعت حاصل آید، از عبادت هفتاد هزار عابد برتر و با فضیلت‌تر است»^۱. (مجلسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸)
 همچنین به تعبیر پیامبر گرامی اسلام (ص)؛ فواید علم نافع پس از مرگ عالم، به مانند صدقه جاریه و فرزندان صالح فرد متوفی، پس از مرگ باقی خواهد ماند و ثواب اعمال مزبور، با مرگ صاحبان این سه مورد، مستمراً ادامه خواهد داشت.^۲ (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۴)

▪ تعریف علم نافع

برای تعریف علم نافع، مراجعه به روایات ائمه معصومین (ع) راهگشاست. به همین دلیل، در مباحث ذیل تلاش شده است معنای علم و دانش نافع، از منظر روایات تبیین شود.

○ الف) به معنای خیر

یکی از معنای علم نافع، علمی است که ناظر بر «خیر» و امور خیر باشد. در روایات متعددی، علم به عنوان سرسلسله و غایت بسیاری از خیرات و فضایل معرفی شده است؛ به عنوان نمونه، پیامبر اکرم (ص) فرموده

۱. «عالم ینتفع بعلمه، افضل من عباده سبعین الف عابد».

۲. قال رسول الله (ص): «إذا مات الرجل انقطع عمله الا من ثلاثه صدقه جاریه و علم ینتفع به و ولد صالح یدعوه له».

تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور ♦ ۹

اند: «العلم رأس الخیر کله، والجهل رأس الشرّ کله» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۷، ص ۱۷۵). از سوی، پیامبر مکرّم اسلام (ص)، نافع بودن علم را با خیر بودن آن یکی دانسته‌اند^۱ (همان، ص ۱۱۴). در روایت دیگری از امام علی (ع)، علم، اصل و ریشه تمام خیرات و در مقابل آن، ریشه و اصل هر شر و شرارتی، در جهل دانسته شده است.^۲ (محمدی ری شهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۵۱)

○ (ب) مترادف با احسن (نیکوترین و بهترین)

یکی از معانی ذکر شده در روایات برای علم نافع، «بهترین و نیکوترین علوم و احسن دانشها» است. امام علی (ع) می‌فرماید: «العلم أكثر من أن يحاط به، فخذوا من كل علم أحسنه» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۵)؛ دانش بیش از آن است که بتوان همه آن را فرا گرفت. پس، از هر دانشی، نیکوترین آن را بگیرید.

○ (ج) مترادف با اصلاح یا ناظر به اصلاح

امام علی (ع) می‌فرماید: «خیر العلوم ما اصلحك» (محمدی ری شهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۲۹)؛ بهترین دانش‌ها، علوم است که تو را اصلاح کند.

همچنین فرموده‌اند: «خیر العلم ما اصلحت به رشادك و شرّه ما افسدت به معادك» (همان)؛ خیرترین آنها، علمی است که هدایت تو را اصلاح کند و شریرت‌ترین دانشها، علمی است که معاد تو را فاسد کند. «علم لا یصلحك ضلال، و مال لا ینفعك وبال» (همان، ص ۵۰۶)؛ دانشی که تو را اصلاح نکند، مایه ضلالت و گمراهی است و مالی که به تو سودی نرساند، وبال تو خواهد بود.

باعنایت به ترادف علم نافع با علمی که می‌بایست ناظر به اصلاح و اصلاحگری باشد و با توجه به اینکه گفته شد علم‌آموزی و تعلیم و تعلّم دانشهای سودمند، از سرآمدان و اصلی‌ترین معروفات اسلامی است، می‌توان استنباط کرد که عالمان و دانش‌پژوهان این علم، می‌بایست از پیشگامان انجام دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر باشند. روایات اسلامی نیز بر این نکته مهم، به خوبی تصریح کرده‌اند. به عنوان نمونه، امام جواد (ع) فرموده‌اند: «دانشمندان، چون از پند دادن خودداری کنند، خیانت ورزیده‌اند. اگر گمراهی را ببینند و او را راهنمایی نکنند، یا مرده‌دلی را ببینند و او را زنده نسازند، بد کرده‌اند؛ زیرا خدای متعال در قرآن از ایشان پیمان گرفته است که به نیکی و به آنچه بدان فرمان رفته است، فرمان دهند و از آنچه از آن ممنوع شده‌اند، دیگران را باز دارند و در نیکی و پرهیزگاری مددکار یکدیگر باشند و در گناه و دشمنی مددکار نباشند» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۱)

۱. «خیر العلم ما نفع».

۲. «العلم اصل کل خیر والجهل اصل کل شر».

○ (د) به معنای مطابق و هماهنگ با فطرت

امام علی (ع) در حکمت ۳۳۸ نهج البلاغه، سودمندی هر گونه علمی را مشروط به تطابق آن با فطرت دانسته و فرموده‌اند: «العلم علمان: مطبوع و مسموع، و لا ینفع المسموع اذا لم یکن المطبوع» (نهج البلاغه، ترجمه و شرح دشتی، ص ۵۱۴)؛ علم بر دو گونه است: علم فطری و علم اکتسابی؛ علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد، سودمند و نافع نخواهد بود.^۱

بر مبنای این روایت شریف، هر گونه علوم اکتسابی (دانشهایی که با درس و بحث کسب می‌شوند) برای اینکه سودمند باشند، می‌بایست با فطرت الهی که انسان بر مبنای آن آفریده شده است، سازگار بوده و با آن تطابق و هماهنگی داشته باشند.

در توضیح علم فطری، نیاز به دانستن معنای فطرت است. به اذعان راغب اصفهانی: فطر، ایجاد و ابداع یک چیز بر هیئت و کیفیت خاصی است که اقتضای فعلی از افعال را دارد؛ پس این آیه شریفه که می‌فرماید: «فَطَرَتِ اللَّهُ الْأَتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم، آیه ۳۰)؛ فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده و اشاره دارد به اینکه مردم را به گونه‌ای خلق و ایجاد کرده است که معرفت و شناخت خدا و ایمان به او در آنها وجود دارد. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۳۹۶)

باید افزود که لفظ فطرت بر وزن فَعَلَهُ، به معنای نوعی خاص از آفرینش و کاربرد آن فقط در مورد انسان است. فطرت انسانی؛ یعنی ویژگی‌های ذاتی که در آفرینش انسان لحاظ شده است. بینشها و گرایشهایی که اکتسابی نیستند و در سرشت انسان قرار دارد، فطری نامیده می‌شوند.

مفسران نیز همین معنا را پذیرفته، فطرت را حالتی می‌دانند که خداوند تعالی در انسان قرار داده و او را برای پذیرش حق، مستعد آفریده است. علامه طباطبایی بعد از آنکه دین را روش زندگی و نشان‌دهنده سیر سعادت معرفی می‌کند، می‌گوید:

«پس برای انسان آفرینش خاصی است که او را به روشی خاص در زندگی و مسیر معینی که دارای غایت و هدف مشخصی است، هدایت می‌کند که بدون پیمودن این مسیر، به آن هدف نمی‌رسد و این هدایتگر و هادی، چیزی جز فطرت و کیفیت خلقت انسان [که در همه انسانها وجود دارد و تغییر و تحول نمی‌پذیرد] نیست و بدین سبب، [قرآن] به دنبال تعبیر فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، فرمود: لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ؛ در آفرینش الهی دگرگونی نیست». (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۷۹)

با این توضیحات مشخص می‌شود که از منظر آیات الهی، دین و اعتقاد به خدا فطری است و یکی از مهم ترین اقتضائات ذاتی و سرچشمه گرفته از سرشت انسانی، خداباوری، خداجویی و تکیه بر مبدء آفرینش و

۱. شایان ذکر است در اکثر ترجمه‌های نهج البلاغه از جمله ترجمه مرحوم دشتی، علم مطبوع به علم فطری ترجمه شده است.

تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور ♦ ۱۱

اعتماد به روش و برنامه‌هایی است که پروردگار برای انسان ترسیم کرده است. بر همین مبنا، یکی از برجسته‌ترین شناختها و گرایشهای فطری و ذاتی انسان، بینش و گرایش به خدا و برنامه و هدایت‌هایی است که برای تعالی و تکامل انسان ارائه فرموده و همین اصل، عامل توجه و جذب انسان به سوی دین است. علم فطری نیز علمی است که در مسیر هدایت الهی و حقیقت‌جویی و با اهداف توحیدی باشد.

فطرت، هم بینشها و شناختهای انسان را شامل می‌شود و هم گرایشهای ذاتی و اختصاصی او را پوشش می‌دهد. بدین سبب، فطریات، شامل اندیشه‌های نظری و حوزه عقل نظری می‌شوند؛ چنان‌که اقتضاهای عقلی عملی را در بر می‌گیرند. منظور از فطریات، اموری‌اند که آفرینش ویژه و فطرت انسانی، آنها را اقتضا می‌کند و محصول علم حضوری هستند (نه علم حصولی و اکتسابی) نظیر حقیقت‌جویی، گرایش به خیر و فضایل انسانی، زیبایی‌دوستی، میل به کمال مطلق و ...

○ ه) به معنای علم قلبی و فرا حسی (و شهودی)

از منظر روایات اسلامی، علم نافع بیش از آنکه علمی اکتسابی باشد، دانشی خداداد و از فیوضات الهی به شمار می‌رود که بنا به لطف الهی در قلوب شایستگی که خداوند مصلحت بداند، گنجانده می‌شود. امام صادق(ع) در این زمینه و اینکه چگونه می‌توان به این علم نافع و قلبی دست یازید، می‌فرماید:

«دانش به آموختن نیست، بلکه نوری است که در دل هر کس که خدای تبارک و تعالی بخواهد هدایتش کند، می‌افتد. بنابر این، اگر خواهان دانش هستی، نخست حقیقت عبودیت را در جان خودت جو یا شو و دانش را از طریق به کار بستن آن بجوی و از خداوند فهم و دانایی بخواه تا تو را فهم و دانایی دهد». (مجلسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷ و ۲۲۵؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۴۰۴)

چنین علم قلبی را می‌توان علم سودمند نامید؛ همان طور که پیامبر مکرم اسلام(ص) در بیانی بدین مطلب تصریح فرموده‌اند:

«عِلْمٌ لَّا يُنْتَفَعُ بِهِ كَكَنْزٍ لَّا يُنْفَقُ مِنْهُ... الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمٌ بِاللِّسَانِ وَهُوَ الْحُجَّةُ عَلَى صَاحِبِهِ وَ عِلْمٌ بِالْقَلْبِ وَهُوَ النَّافِعُ لِمَنْ عَمِلَ بِهِ» (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۷)؛ دانشی که از آن بهره برده نشود مانند ثروتی است که از آن انفاق نمی‌شود... علم دو علم است: یکی به زبان است؛ پس آن فایده ندارد جز اینکه سبب اتمام حجت است و گفته می‌شود تو که می‌دانستی، چرا عمل نکردی؟ و دیگری علمی است در قلب، که آن برای کسی که بدان عمل می‌کند، علم نافع است.

نکته دیگر در باره قلبی بودن علم نافع، این است که چنین دانشی، فرا حسی بوده و منحصر در حواس پنجگانه و درک به وسیله آنها نیست. در تأیید این مدعا، می‌توان به بیان امام صادق(ع) در «رساله هلیله»، خطاب به پزشک و دانشمند هندی اشاره کرد:

«اگر بر نادانی خود پای فشاری و چنان پنداری که دریافت چیزها جز به حواس میسر نشود، من تو را آنگاه می‌کنم که حواس به خودی خود اشیا را درک نمی‌کند و راه شناختی برای حواس، بدون قلب وجود ندارد. قلب است که راهنمای حواس است و اشیایی که مدعی هستی قلب آنها را از راه حواس ادراک می‌کند، در ادراک آنها به وسیله حواس، قلب مؤثر اصلی است ... می‌دانی چه بسا هست همه یا برخی از حواس از میان می‌رود و در این حال سنجش سود و زیان چیزها، چه امور پنهان و چه آشکار، با قلب است و قلب است که [به استفاده از سودمند] فرمان می‌دهد، و [از چیزهای زیانبخش] بازمی‌دارد. و امر نهی او نافذ است و داوری او درست درمی‌آید ... آیا این را نمی‌دانی که پس از نابود شدن حواس، قلب باقی خواهد ماند؟». (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۶)

○ (و) به معنای علمی کاربردی

دانش فاقد عمل و بدون کاربرد، علم سودمندی نیست؛ بلکه دانشهای کاربردی را می‌توان در زمره علوم نافع به حساب آورد؛ همچنان که کاربردی شدن علوم، به توسعه و رشد و پیشرفت آنها نیز خواهد افزود. امام علی(ع) در این باره اظهار فرموده‌اند: «انفع العلم ما عمل به» (محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۲۹)؛ نافع ترین علم، دانشی است که بدان عمل شود. همچنین فرموده‌اند: «العلم رشد لمن عمله به» (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۴)؛ علم، برای کسی که به آن عمل کند، مایه رشد است.

از نظر این امام همام، شدیدترین عذابها در روز قیامت، نصیب کسی است که علم غیر سودمندی را آموزش داده است^۱ (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۹). البته علم کاربردی به معنای علم پراگماتیستی و عملگرایی زده نیست، بلکه همان طور که توضیح داده شد، علمی است که بدان عمل می‌شود و غیر سودمند و مهمل نیست.

○ (ز) به معنای علمی غالب بر هواهای نفسانی

نبی مکرم اسلام (ص) علمی را که بر هواهای نفسانی فائق شود، علم نافع دانسته و فرموده‌اند: «من غلب علمه هواه فذالك علم نافع» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۸۵)؛ هر که دانشش بر هوسش چیره آید، این دانش دانشی سودمند است.

○ به معنای عقلانی و مطابق با عقلانیت

از روایات اسلامی می‌توان فهمید که میان علم نافع و عقل، تلازم دوجانبه‌ای برقرار است. به همین دلیل، یکی از معانی نافعیت و سودمندی علم، عقلانی بودن آن و تطابق آن با معیارهای عقلایی و سیره عقلاست. اساساً در تفکر اسلامی، امور خیر با علم و عقلانیت درک می‌شوند و میان دیانت و عقلانیت نیز تلازم مستقیم برقرار است^۲ و علم به مثابه چراغ هدایتگر عقل^۱ به شمار آمده است. (محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۴۸)

۱. «اشد الناس عذاباً يوم القيمة من علم علماً فلم ينتفع به».

۲. این معنا در این حدیث از پیامبر (ص) آمده است: «انما یدرک الخیر بالعقل، ولا دین لمن لا عقل له». (مجلسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۵۸)

تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور ♦ ۱۳

علامه مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار و در شرح برخی روایات اهل بیت (ع)، عقل را با علم نافع یکی دانسته است. ایشان در جلد اول بحار و در باب «حقیقت عقل و کیفیت و شروع آفرینش آن»، در این باره چنین نوشته است: «و در برخی اخبار، عقل به نفس علم نافع اطلاق شده است؛ علمی که نتیجه و حاصل آن، نجات و مستلزم دستیابی به سعادت است»^۲. (مجلسی، بی تا، ج ۱، ص ۹۶)

▪ برخی ویژگی‌های علم نافع

در آموزه‌های روایی، علم نافع دارای خصوصیات و شاخصه‌های متعددی است که به اختصار، برخی از آنها یادآوری می‌شود.

○ الف) علم نافع در مسیر عبودیت الهی و احیای دین

یکی از اهداف و خصوصیات دانش نافع در روایات، حرکت در جهت عبودیت الهی و احیای دین و پاسداشت شعائر اسلامی است و صاحبان چنین دانشی در مرتبه پایین تر از انبیا قرار می‌گیرند. پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

«من طلب باباً من العلم لیحیی به الاسلام کان بینه و بین الانبیاء درجه فی الجنة» (عبدالقومی مندری، ۱۴۲۲، ج ۱، ش ۲۸۳۳)؛ کسی که بابی از علوم را برای آنکه اسلام را احیا کند، طلب کند؛ بین او و انبیا در بهشت، تنها یک درجه فاصله خواهد بود.

«أَنَّ اللَّهَ يُطَاعُ بِالْعِلْمِ وَ يُعْبَدُ بِالْعِلْمِ وَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ» (مجلسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۴)؛ به درستی که خداوند با علم، اطاعت می‌شود و با علم پرستیده می‌شود و خیر دنیا و آخرت با علم است و شر دنیا و آخرت با جهل به دست می‌آید.

امام کاظم (ع) در بیانی تفصیلی، دانش را شامل شناسایی خداوند و نعمات و خواسته‌های پروردگار و نحوه صیانت از دیانت می‌داند و می‌فرماید:

«دانش مردمان را در چهار چیز یافتم: نخست اینکه پروردگار خود را بشناسی؛ دوم اینکه بدانی که با تو چه خوبی‌ها کرده است [و به تو چه نعمتها داده است، از نعمت هستی گرفته تا دیگر نعمتها]؛ سوم اینکه بدانی از تو چه خواسته است و چهارم آنکه بدانی چه چیز تو را از دین بیرون می‌برد و گمراه می‌کند». (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۳)

○ ب) علم نافع و تعلیم آن؛ از برترین معروفهای اسلامی و اسباب آن

در روایات اسلامی، از تعلیم دانشهای نافع و سودمند، به عنوان یک معروف بسیار مهم و بزرگ یاد شده و

۲. امام علی (ع): العلم مصباح العقل.

۳. «و فی بعض الأخبار یطلق العقل علی نفس العلم النافع المورث للنجاه المستلزم لحصول السعادات».

از سویی، نافعیت علم، مشروط به تعلیم آن شده است؛ همچنان که امام علی(ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه در فرازی از وصیتنامه خویش به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید:

«اعلم انه لا خیر فی علم لا ینفع و لا تنتفع بعلم لا یحقّ تعلّمه» (نهج البلاغه، دشتی، ص ۳۷۷، نامه ۳۱) بدان که به درستی که خیری در علمی که از آن سودی برده نمی‌شود، وجود ندارد و علمی هم که قابل یادگیری نیست، فاقد انتفاع و بهره‌گیری است.

امیر مؤمنان(ع) در فرازهای زیبا و دل‌انگیزی، اهمیت و مقام ارجمند تعلیم علم نافع را به عنوان یک معروف و عمل بسیار نیکو، به تفصیل یاد آور شده و ضمن تشبیه آن با امور واجب مهمی مانند جهاد، عبادت و...، تحقق بهینه بسیاری از این واجبات و بسیاری از معروفات و مستحبات اسلامی و حتی اطاعت الهی را وابسته به علم آموزی دانسته‌اند:

«تعلّم العلم فان تعلمه حسنه و مدارسته تسبیح، والبحث عنه جهاد، و تعلیمه لمن لا یعلمه صدقه و هو انیس فی الوحشه، و صاحب فی الوحده، و سلاح علی الاعداء، و زین الاخلاء، و یرفع الله به اقواماً یجعلهم فی الخیر ائمه یقتدی بهم، ترمق اعمالهم و تقتبس آثارهم» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۶)؛ دانش بیاموزید؛ زیرا آموختن دانش، ثواب و حسنه است و مذاکره‌اش تسبیح و جستجوی از آن جهاد و یاد دادنش به کسی که آن را نمی‌داند، صدقه. دانش انیس خلوت و یار تنهایی و حرب‌ای علیه دشمن و زیور دوستان خداوند است. خداوند به واسطه دانش، مردمانی را بلندمرتبه گرداند و آنها را پیشوای در خوبی‌ها کند که به آنها تأسی جویند و کردارشان مورد توجه قرار گیرد و آثارشان اقتباس شود.

«بالعلم یتطاع الله و یعبد و بالعلم یرف الله و یوحّد و بالعلم توصل الراحام و به یرف الحلال و الحرام، العلم امام العقل و العقل تابعه، یلهمه السعدا و یحرمه الا شقیاء» (همان)؛ با علم، خداوند یکتا اطاعت و پرستش می‌شود و توحید باورمند می‌شود، به وسیله علم، صلّه ارحام انجام می‌شود و حلال و حرام الهی شناخته می‌شود. علم جلودار عقل است و عقل تابع آن. سعادت‌مندان از علم ملهم گشته و اشقیاء از علم محروم می‌شوند.

همچنان که امام علی(ع) بیان فرموده‌اند: انفاق هر چیزی از آن می‌کاهد مگر علم، که چنین نیست (محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۶۹) و آموزش علم، قوی‌ترین چیزی است که باعث تثبیت و اتقان علم انسان می‌شود^۲ (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۸، ص ۱۱۱) و تزکیه و پاکیزگی عقل از نتایج آن است.^۳ (عبدالقومی مندری، ۱۴۲۲، ج ۱، ش ۲۸۸۰۹؛ محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۷۱)

۱. این حدیث از پیامبر اکرم(ص) نیز نقل شده است. (ر.ک. به: مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷)
 ۱. امام علی(ع): «علم الناس علمک و تعلم علم غیرک، فتکون قد اتقنت علمک و علمت ما لم تعلم».
 ۲. امام علی(ع): «اعون الا شیء علی تزکیة العقل، التعلیم».

تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور ♦ ۱۵

شایان ذکر است که در روایات اسلامی، آموزش و تعلیم، عالی‌ترین صدقه و بخشش به حساب آمده است^۱ (محمدی‌ری‌شهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۶۹) و بر این نکته تصریح شده که: «کسی که علمی را به دیگری بیاموزد، تا روز قیامت اجر عمل‌کننده بدان علم، به او تعلق خواهد گرفت»^۲. (مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۶)

○ (ج) اتّصاف به علم نافع از صفات متّین

در آموزه‌های اسلامی میان علم نافع و تقوا تعامل مستقیم وجود دارد و اتّصاف به علم نافع از صفات متّین به شمار آمده است و می‌توان اذعان کرد که عالم متّصف به چنین علمی، باید صفات متّین را داشته باشد. به همین خاطر می‌توان استنباط کرد که میان پرهیزگاری و تیقّن و تقوا و علم، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این برداشت به خوبی از خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه، قابل دریافت است. امام علی (ع) در این خطبه که در شرح سیمای پرهیزگاران و اوصاف متّین است، به موضوع علم نافع هم اشاره فرموده‌اند. در فراز اول خطبه و بعد از حمد و ستایش خداوند و اینکه معصیت گناهکاران و اطاعت مؤمنان برای خداوند، زیان یا سودی ندارد؛ در توصیف پرهیزگاران، برخورداری و بهره‌مندی آنها را از علم نافع مورد تأکید قرار داده و فرموده‌اند:

«...فالمتّقون فیها هم اهل الفضائل: منطّهم الصواب، و ملبسهم الاقتصاد، و مشیهم التواضع، غصّوا ابصارهم عمّا حرم الله علیهم، و وقفوا اسماعهم علی العلم النافع لهم...» (نهج‌البلاغه، دشتی، ص ۲۹۵)؛ «...اما پرهیزگاران! در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنها میانه‌روی، و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است. چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده می‌پوشانند، و گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند...»

باید افزود که عالم برخوردار از دانش نافع و سودبخش، در مسیر نور و تقوای الهی است. به همین خاطر، نگاه به صورت وی، عبادت شمرده شده است.^۳ (مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۵)

○ (د) اتّصاف و همراهی علم نافع با حلم و بردباری

امام علی (ع) در فرازهای بعدی خطبه ۱۹۳ یا همان خطبه همّام، پرهیزگاران بهره‌مند از علم نافع را دانشمندان بردبار و نیکوکاران با تقوا و خائف از خوف الهی، قلمداد فرموده است: «و اما النهار فحلّماء علماء، ابرارٌ اتّقیاء. قد برأهم الخوف برّی القِداح...»؛ پرهیزگاران در روز، دانشمندانی بردبار، و نیکوکارانی با تقوا هستند که ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده، لاغر کرده است.

۳. «ما تصاتق الناس بصدقه افضل من علم ينشر».

۴. پیامبر(ص): «من علم علما فله اجر من عمل به الی یوم القیمه».

۵. پیامبر(ص): «النظر الی وجه العالم، عباد».

○ (ه) علم نافع؛ علمی در جهت صلاح و مصالح دینی و دنیایی

از منظر روایات؛ علم نافع علمی است که در جهت و در خدمت صلاح و مصالح دینی و دنیایی باشد؛ همان طور که امام علی (ع) فرموده است: «ثمره العلم العمل للحیاه» (محمدی ری شهری، بی تا، ج ۶، ص ۴۹۹)؛ که به تعبیری گسترده تر بدین معنا است که ثمره و محصول علم می باید تبدیل به عملی برای حیات و زندگانی مادی و معنوی بشری گردد. این معنا به خوبی در فرازی بلند از خطاب امام صادق (ع) به شاگردش مفضل، ذکر شده؛ آنجا که فرمودند: «ای مفضل! به خاطر داشته باش که دانستن چه چیزهایی بر آدمی روا گشته، و دانستن چه چیزهایی منع شده است. دانستن آنچه در آن، صلاح دین و دنیای انسان است، به وی ارزانی داشته اند. و از جمله آنچه صلاح دین وی در آن است، شناختن خدای متعال است با دلایل و شواهدی که در آفرینش برپا است، و شناختن وظایف لازم در دادگری نسبت به همه مردمان، و نیکویی کردن در باره پدر و مادر، و گزاردن امانت، و کمک رسانی به دوستان، و همانند اینها از چیزهایی که شناختن و قبول کردن آنها در طبع و فطرت هر امتی، از موافق و مخالف، وجود دارد.

«و به همین گونه به آدمی دانش هر چه را صلاح دنیای وی در آن است، ارزانی داشته اند؛ همچون: کشاورزی و درختکاری و بهره برداری از زمینها و دامداری، و بیرون آوردن آب از دل زمین و شناخت گیاههای دارویی و کانهایی که انواع گوهرها از آنها به دست می آید، و کشتیرانی و دریانوردی و غواصی در دریا برای بیرون آوردن گوهر، و فنون شکار جانوران صحرائی و دریایی و پرندگان، و صنعت و صنعتگری، و بازرگانی و سوداگری، و جز اینها، که شماره آن فراوان است و شرح آن به درازا می کشد و همه آنها وسیله بهتر شدن کار در این جهان است. بنابر این، به آدمی اجازه تحصیل علمی که به وسیله آنها دین و دنیای خود را اصلاح کند داده اند و از دانستن آنچه نه در شأن اوست و نه توانایی دانستن آن را دارد، او را باز داشته اند؛ مانند علم غیب و آنچه در آینده خواهد شد و بعضی از آنچه پیش تر وقوع یافته است ...

«پس بنگر که چگونه به انسان دانش همه آنچه برای دین و دنیایش بدان نیازمند است داده شده، و جز این بر او پوشیده مانده است...» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۹)

▪ ویژگی ها و بایسته های عالمان و طالبان علم

در روایات اسلامی به خوبی و گستردگی، صفات پسندیده و ناپسند عالمان و متعلمان بیان شده است که در حقیقت؛ مبین دایره معروفات و منهیات اسلامی در حیطه علم آموزی است. صفات مزبور در این روایات به صورت کلی یا جزئی و موردی اشاره شده اند.

○ (الف) ویژگی های کلی

در روایات و آموزه های روایی، فرازهایی کلی وجود دارد که صفات حمیده و شایسته را برای عالمان و

تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور ♦ ۱۷

متعلمان و دانش‌پژوهان بر شمرده است؛ که نخست به صفات کلی و ارجمند عالمان، اشاره می‌شود:

پیامبر خدا (ص) در این باره فرموده‌اند: «ینبغی للعالم ان یکون قلیل الضحک، کثیر البکاء، لا یمازح، و لا یصاحب، و لا یماری، و لا یجادل، ان تکلم؛ تکلم یحق، و ان صمت، صمت عن الباطل، و ان دخل، دخل یرفق، و ان خرج، خرج بحلم». (عبدالقومی مندری، ۱۴۲۲، ج ۱، ش ۲۹۲۸۹)؛ زینده است که دانشمند کم بخندد، بسیار بگرید، شوخی نکند، داد و فریاد نکند، ستیزه نکند، بحث و مجادله نکند؛ اگر سخن گفت، سخن حق بگوید و اگر خاموش ماند، از باطل خاموشی گزیند؛ اگر وارد بحث شد، با ملایمت وارد شود و اگر از بحث کنار کشید، با بردباری کنار کشد.

امام علی (ع) هم برخی صفات مزبور را چنین بر شمرده‌اند:

«لا یکون العالم عالماً حتی لا یحسد من فوقه، و لا یحتقر من دونه، و لا یأخذ علی علمه شیئاً من حطام الدنیا (محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۹۵)... عالم، عالم نیست مگر آن‌گاه که به فرادست خود رشک نوردد، فرودست خود را کوچک نشمارد و در [آموختن] دانش خود، چیزی از متاع بی‌ارزش دنیا نگیرد.

«ان العالم ثلاث علامات: العلم، والحلم، والصمت» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۷)؛ عالم را سه نشانه است: دانش و بردباری و خاموشی. (همچنین ر.ک. به: مجلسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۹)

امیر مؤمنان علی (ع) در فراز بسیار زیبایی دیگری، منشور ارزشمندی را برای علم نافع و علم‌پژوهی ارائه می‌دهند و می‌فرمایند:

«سر علم، فروتنی است؛ چشم آن، پاکیزه بودن از رشک ... و عقل آن، شناخت اسباب امور. و از ثمره‌های آن است پرهیزگاری و دوری گزیدن از هوای نفس و دامن فروچیدن از گناهان و دوست داشتن برادران و سخن نیوشیدن از دانشمندان ... و زشت شمردن نزدیکی به باطل و نیکو شمردن پیروی از حق و راست گفتن و پرهیز کردن از شادی‌های غافلانه و از کارهای پشیمانی‌آور. علم بر عقل کسی که فرزانه است، می‌افزاید و در آموزنده‌ی خویش، صفات پسندیده پدید می‌آورد ... و آزمندی را فرو می‌نشاند و مکر را از میان می‌برد و بخل را می‌کشد و جانور وحشی آزاد را اسیر می‌کند و راه راست دور از دسترس را نزدیک می‌سازد». (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۸)؛ همچنین: کلینی، بی‌تا، ج ۱، کتاب فضل العلم، باب النوادر)

اما در روایات گسترده‌ای هم، حقوق عالمان بر متعلمان و دانش‌پژوهان مورد تنویر قرار گرفته است؛ از جمله امام علی (ع) اظهار فرموده‌اند:

«از جمله حقوق شخص دانشمند بر تو این است که [هر گاه در میان جمعی بود] بر همگان سلام کنی و به او نیز اختصاصاً سلام گویی؛ روبه‌رویش بنشینی؛ در حضور او با دست و چشم و ابرو اشاره نکنی؛ در مخالفت با نظر او نگویی "فلانی چنین گفته است"؛ نزد او از کسی غیبت نکنی؛ در مجلسش در گوشه

صحبت نکنی؛ جامه‌اش را نگیری؛ اگر خسته بود، در سؤال کردن اصرار نوری؛ از طول مجالسش به تنگ نیایی؛ زیرا حکایت همنشینی با او حکایت درخت خرمایی است که انتظار می‌کشی تا کی از آن چیزی برای تو بیفتد. همانا پاداش مؤمن دانشمند بیشتر از روزه‌دار شب‌زنده‌داری است که در راه خدا بجنگد. هر گاه دانشمند بمیرد، رخنه‌ای در اسلام پدید آید که تا قیامت چیزی آن را نبندد». (عبدالقومی مندری، ۱۴۲۲، ج ۱، ش ۲۹۳۶۳، ۲۹۳۶۴؛ همچنین ر.ک. به: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۴۰۰)

امام سجاد(ع) نیز به زیبایی، حقوق استادان و دانشمندان را بر شاگردانشان، چنین بیان فرموده‌اند: «حق استاد تو این است که به او احترام گذاری؛ محضرش را موقر داری؛ با دقت به سخنانش گوش بسپاری؛ رویت به او باشد و به او توجه کنی؛ صداقت را بر او بلند نکنی؛ هر گاه کسی از او سؤال کند، تو جواب ندهی، بلکه بگذاری خودش جواب دهد؛ در محضر او با کسی سخن نگوئی؛ در حضور او از کسی غیبت نکنی؛ اگر پیش تو از او بدگویی شود، از وی دفاع کنی و عیبهایش را پوشانی و خوبی‌ها و صفات نیکش را آشکار سازی؛ با دشمن او همنشینی نکنی و با دوستش دشمنی نوری. هر گاه این کارها را کردی، فرشتگان خدا در باره‌ات گواهی دهند که تو برای رضای خدای بلندنام، نه برای مردم، نزد آن استاد رفته‌ای و دانش او را فرا گرفته‌ای». (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۶۷؛ همچنین: مجلسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۴۰۱)

«حق شاگرد تو این است که بدانی خداوند به واسطه علم و دانشی که به تو داده و از خزانه‌های [دانش] خود برای تو گشوده، تو را سرپرست شاگردانت کرده است. بنابر این، اگر مردم را خوب آموزش دهی و با آنان درشتی و بدرفتاری نکنی و از تعلیمشان به ستوه نیایی، خداوند از فضل خود بر دانش تو بیفزاید. اما اگر دانش خود را از مردم مضایقه کنی یا وقتی برای آموختن دانش نزد تو آمدند با ایشان درشتی و بدرفتاری کنی، بر خدای عز و جل سزاوار است که علم و شکوه آن را از تو بگیرد و جایگاه تو را از دل مردم بیندازد». (ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۵۴ و ۷۴)

○ (ب) ویژگی‌های موردی

برخی از صفات ممدوح و پسندیده نیز چه برای عالمان و چه برای دانش‌پژوهان، به صورت موردی در روایات آمده است که اجمالاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

□ حرص‌ورزی در تعلیم و دانش‌پژوهی

در خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه، در اوصاف پرهیزگاران، حرص‌ورزی در علم‌آموزی از صفات متقین به شمار آمده است: «و من علامه احدهم انک تری له قوه فی دین و حزمأ فی لین و ایمانأ فی یقین و حرصأ فی علم و علماً فی حلم» (نهج‌البلاغه، دشتی، ص ۲۹۶)؛ و یکی از نشانه‌های پرهیزگاران این است که او را این گونه می‌بینی: در دینداری، نیرومند و نرمخو و دوراندیش است. دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب دانش،

با داشتن علمهٔ بردبار.

□ برخورداری از نرمخویی و ملایمت در تعلیم و تعلّم

پیامبر(ص) در این زمینه فرمودند: «لینوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه» (مجلسی، بی تا، ج ۲، ص ۶۲)، با کسانی که به آنها آموزش می‌دهید یا از آنها علم فرا می‌گیرید به نرمخویی و ملایمت رفتار کنید». همچنین امام علی(ع)، سرآمد و رأس علم را رفاقت و مدارا و رأس جهالت را ایجاد شکاف و اختلاف می‌دانند.^۱ (محمدی ری شهری، بی تا، ج ۶، ص ۵۲۸)

امام صادق(ع) هم فرموده‌اند: «علی العالم اذا علّم ان لا یعنف، و اذا علّم ان لا یأنف» (ابی فراس، بی تا، ج ۱، ص ۸۵)؛ بر دانشمند است که هر گاه آموزش دهد، درشتی و خشونت نکند و هر گاه کسی بخواهد به او علم آموزد، ننگش نیاید.

□ ضرورت تفهّم، تدبّر و تأمل در علم آموزی

در آموزه‌های روایی هیچ علمی مانند تفکر نیست (نهج البلاغه، دشتی، ص ۴۷۰) و مکرراً بر ضرورت تفهّم، تدبّر و تأمل در علم آموزی تأکید شده است؛ از جمله پیامبر خدا(ص) فرموده‌اند: «کونوا للعلم وعاه و لا تکنوا له رواه» (عبدالقومی مندری، ۱۴۲۲، ج ۱، ش ۲۹۳۳۵)؛ دریابندهٔ علم باشید، نه روایت کننده آن. «همه العلماء الوعایه، و همه السفها الروایه» (همان، ش ۲۹۳۳۷)؛ اهتمام دانایان به فهمیدن است و اهتمام نادانان به روایت کردن.

□ ضرورت کتابت و ثبت نوشته‌ها در علم آموزی

موضوع حفظ و ثبت نوشته‌ها و دریافتهای علمی، نقش انکارناپذیری در اکتساب و رشد دانش دارد؛ تا جایی که امام علی(ع)، نگاشته‌های عالمان و دانش پژوهان را به مثابهٔ عیار سنجش دانش و عقلانیت آنها به حساب آورده، فرموده‌اند: «کتابه العالم میزان عقله» (محمدی ری شهری، بی تا، ج ۶، ص ۴۴۵)؛ نگارش و نگاشته‌های عالم، میزان و معیار عقل وی است.

□ ضرورت سختکوشی و تحمّل سختی و مشقت و ذلّت در علم آموزی

دانش پژوهی نیازمند سعی و تلاشهای طاقت فرسای بسیاری است. به همین دلیل، جهد و پشتکار در کسب

۱. «رأس العلم الرفق، رأس الجهل الخرق».

۲. امام علی(ع): «لا علم کالتفکر». (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳)

دانش، مورد توصیهٔ اکید روایات اسلامی است؛ همچنان که پیامبر(ص) فرمودند: «من لم یصر علی ذلّ التعلّم ساعةً بقی فی ذلّ الجهل ابداً» (مجلسی، بی تا، ج ۷۷، ص ۱۶۴)؛ کسی که ساعتی ذلّت را در کسب دانش بر نمی تابد، تا ابد در ذلّت جهالت باقی خواهد ماند.

امام علی(ع) هم اظهار می دارند که: «دانش، با تن آسایی به دست نمی آید»^۱. (محمدی ری شهری، بی تا، ج ۶، ص ۵۳۵)

▪ صفات مذموم (منکرات و منهیات) در علم آموزی

صفات مذموم و نهی شدهٔ بسیاری در روایات آمده است تا عالمان و دانش پژوهان از آنها احتراز ورزند؛ از جمله امام علی(ع) فرمودند: «خذوا من العلما ما بدالکم، وایاکم ان تبطلوه الخصال أربع لتباهو به العلماء، او تماروا به السفهاء أتراووا به فی المجالس، أو تصرفو وجوه الناس الیکم لترؤس» (مجلسی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱)؛ از علم هر آنچه برایتان پیش می آید، فرا گیرید و زنهاری که آن را برای چهار کار بیاموزید: برای فخر فروشی بر علما، یا ستیزه کردن با نادانان، یا خودنمایی در مجالس، یا جلب کردن توجه مردم به خود و ریاست کردن بر آنها.

برخی دیگر از این صفات ناپسند در حوزه علم آموزی بدین شرح است:

○ ریاکاری، شهرت طلبی و فریبکاری

پیامبر خدا(ص) در مذمت علم آموزی با هدف ریاکاری، شهرت طلبی و فریبکاری فرموده اند:

«من تعلّم العلم رياءً و سمعه یرید به الدنیا نزع الله برکته و ضیق علیه معیشته و وکله الله الی نفسه و من وکله الله الی نفسه هلک» (مجلسی، بی تا، ج ۷۷، ص ۱۰۰)؛ هر کس دانش را برای ریا و شهرت طلبی بیاموزد و هدفش از آن، دنیا باشد، خداوند برکتش را از او بگیرد و زندگی اش را بر او تنگ کند و او را به خودش واگذارد و هر کس که خداوند او را به خودش واگذارد، هلاک شود.

«من ابتغی العلم لیخدع به الناس لم یجد ریح الجنة» (مجلسی، بی تا، ج ۷۷، ص ۷۶)؛ کسی که به علم برای فریب مردم روی آورد، رایحهٔ بهشت را استشمام نخواهد کرد.

○ ارتزاق ناروا (استکمال) از علم

در روایات اسلامی، ارتزاق ناروا یا استکمال از علم مذمت شده که در حقیقت؛ به معنای بهره و ارتزاق نامشروع مادی و غیر مادی از علم به وسیلهٔ عالم نمایانی است که بی بهره از دانش هستند. یکی از مصادیق بارز چنین افرادی در عصر فعلی، کسانی هستند که از مدارک جعلی و عناوین تقلبی علمی برای فریب مردم و تحصیل منافع خویش استفاده می کنند. امام صادق(ع) در این باره فرموده است:

۱. «لا یدرک العلم بالراحه الجسم».

تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور ♦ ۲۱

«هر که علم خود را وسیله ارتزاق قرار دهد، نیازمند شود. [راوی می گوید] عرض کردم: فدایت شوم! در میان شیعیان و دوستان شما گروهی هستند که دانشهای شما را فرا می گیرند و آنها را در میان شیعیان شما پخش می کنند و به خاطر این کار به آنها احسان و هدیه و احترام می شود. حضرت فرمودند: اینان ارتزاق کننده نیستند، بلکه ارتزاق کننده به علم، کسی است که بی آنکه از علمی برخوردار باشد و از جانب خدای عز و جل هدایتی یافته باشد، برای پایمال کردن حقوق و رسیدن به حطام دنیوی فتوا دهد». (مجلسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۷)

از سوی دیگر، در روایات، استتکال از علم مواردی را هم شامل شده است که عالمی در پاسخ به نیاز مردم در فهم دین، علم خویش را مخفی کند و با مباحثات و طفره رفتن از پاسخ به آنها و انجام احتکار علم خویش، از ایشان مزد طلب کند. سرنوشت این صنف از عالم نمایان، علاوه بر گرفتاری در فقر^۱ (همان)، مسخ چهره در قیامت و سقوط در آتش دوزخ، آن هم با لجامی آتشین عنوان شده است. (محمدی ری شهری، بی تا، ج ۶، ص ۴۷۴-۴۷۶)

○ کتمان علم نافع در آموزش

همان طور که در آیات الهی، موضوع کتمان علم نافع مذمت و تقییح شده است (بقره، آیه ۱۵۹ و ۱۷۴)، در روایات نیز همین رویکرد ملاحظه می شود. به عنوان مثال؛ نبی مکرم اسلام (ص) می فرماید: «هر کس که علم نافع خود را کتمان کند، خداوند در روز قیامت به دهانش لجامی از آتش خواهد زد»^۲ (عبدالقومی مندری، ۱۴۲۲، ج ۱، ش ۲۹۱۴۴). همچنین امام علی (ع)، پنهان کننده علم نافع را جاهل شمرده است.^۳ (مجلسی، بی تا، ج ۲، ص ۶۷)

▪ نتیجه گیری

گفته شد که علم آموزی و تعلیم و تعلم دانشهای سودمند از مسلم ترین و پسندیده ترین معروفات اسلامی است و در آیات و روایات، امر به تعلیم دانشهای نافع و سودمند، به دفعات توصیه و از سویی، نافعیت علم، مشروط به تعلیم آن شده است.

براساس مستندات این پژوهش، ضمن پاسخ به سؤال تحقیق، مفروض اصلی آن اثبات و روشن شد که منظور از علم و دانش متعارف، مقبول و ممدوح در منابع اسلامی، «علم نافع» است و مستدلاً و با ذکر ویژگی های این علم، بیان شد که این دانش فقط در حیطة الهیات و علوم الهی نیست و تمام حیطة علوم مفید و واجد شرایط در روایات را در بر می گیرد. همچنین توضیح داده شد که علم نافع و دانش پژوهی و

۱. قال ابا عبدالله (ع): «من استأكل بعلمه افتقر».

۱. «من كنتم علماً نافعاً عنده الجمعة الله يوم القيامة بلجام من النار».

۲. «من كنتم علماً فكانه جاهل به».

تعلیم و تعلّم در آموزه‌های اسلامی و به ویژه روایی، چه اختصاصات و ویژگی‌هایی دارد و پژوهندگان دانش - اعم از معلّمان و متعلّمان - باید از چه صفاتی برخوردار باشند.

این نوشتار با هدف ترسیم الگویی اسلامی برای تبیین این علم که با وصف «نافع» و «خیر» در روایات اسلامی ذکر شده، به رشته تحریر درآمد و نتایج ویژگی‌های ارائه شده، در بر دارنده نوعی مهندسی و الگوسازی برای اکتساب و آموزش و تعلّم و تعلیم دانش در جامعه اسلامی است که می‌توان از آن به عنوان یکی از راهکارهای مهم تحقق امر به معروف و نهی از منکر در عرصه‌های علمی، دانشگاهی و حوزوی سود جست. از سوی دیگر، نقشه علمی کشور و موضوعاتی مانند وحدت حوزه و دانشگاه و آفت شناسی علوم انسانی و کارآمدسازی این دسته از علوم را بر اساس الگوی جامع علم نافع، پی‌ریزی و ساماندهی کرد و وحدت رویه و اتحاد واقعی حوزه و دانشگاه را از این منظر جستجو و محقق ساخت. بر همین مبنا می‌توان تصریح کرد که تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور خواهد بود و علم‌پژوهی متعالی، آن هم در همه عرصه‌ها - و اعم از علوم انسانی و غیر انسانی - منوط و مبتنی بر تحصیل علم نافع است.

شایان ذکر است ابتدا و پس از تبیین فضیلت علم نافع و با توجه به تصریح روایات، برای علم مزبور معانی ذیل استخراج شد:

۱. به معنای خیر؛
۲. مترادف با احسن (نیکوترین و بهترین)؛
۳. مترادف با اصلاح یا ناظر به اصلاح؛
۴. به معنای مطابق و هماهنگ با فطرت؛
۵. به معنای علم قلبی و فرا حسی (و شهودی)؛
۶. به معنای علمی کاربردی؛
۷. به معنای علمی غالب بر هواهای نفسانی؛
۸. به معنای عقلانی و مطابق با عقلانیت.

همچنین برخی از ویژگی‌های علم نافع همانند موارد ذیل، با استناد به روایات تشریح شد:

۱. علم نافع در مسیر عبودیت الهی و احیای دین؛
۲. علم نافع و تعلیم آن؛ از برترین معروفهای اسلامی و اسباب آن؛
۳. اتّصاف به علم نافع از صفات متّقین؛
۴. اتّصاف و همراهی علم نافع با حلم و بردباری؛

۵. علم نافع؛ علمی در جهت صلاح و مصالح دینی و دنیایی.

از سویی اثبات شد که در روایات اسلامی به خوبی و گستردگی، صفات پسندیده و ناپسند عالمان و متعلمان بیان شده است که در حقیقت؛ مبین دایره معرفات و منهیات اسلامی در حیطه علم آموزی است. صفات مزبور در این روایات به صورت کلی یا جزئی و موردی اشاره شده‌اند؛ از جمله برخی از صفات ممدوح و پسندیده نیز چه برای عالمان و چه برای دانش‌پژوهان، این‌گونه ذکر شد:

۱. حرص ورزی در تعلم و دانش‌پژوهی؛

۲. برخورداری از نرم‌خویی و ملایمت در تعلیم و تعلم؛

۳. ضرورت تفهم، تدبیر و تأمل در علم‌آموزی؛

۴. ضرورت کتابت و ثبت نوشته‌ها در علم‌آموزی؛

۵. ضرورت سختکوشی و تحمل سختی و مشقت و ذلت در علم‌آموزی.

همچنین بر حسب شواهد روایی، برخی صفات مذموم در علم‌آموزی ذکر شد که از جمله آنها: ریاکاری، شهرت‌طلبی، دنیاطلبی، فریبکاری، ارتزاق ناروا (استکمال) از علم، کتمان علم نافع در آموزش است که می‌توان آنها را از جمله منکرات و منهیات در حوزه تعلیم و تعلم و فراگیری دانش به حساب آورد. آنچه مسلم است تبیین روایی و تعریف عملیاتی ویژگی‌های پیش‌گفته علم نافع، مبین اصول و راهبردهای علم‌پژوهی متعالی است و تحقق علم نافع بر این اساس، به مثابه راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور چه در حوزه علوم انسانی و غیر آن خواهد بود.



منابع

- قرآن مجید.
- نهج البلاغه؛ ترجمه و شرح محمد دشتی (۱۳۸۱)، قم، حضور.
- نهج البلاغه؛ به کوشش صبحی صالح (۱۳۸۷ ق)، بیروت، [بی‌نا].
- ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳ ق)؛ **عوالی اللئالی**، قم، سیدالشهدا.
- ابی‌فراس، ورام (بی‌تا)؛ **مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)**، قم، فقیه.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ **الحیاه**، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دیلمی، شیخ حسن (۱۳۷۶)؛ **ارشاد القلوب الی الصواب**، ترجمه سید عباس طباطبایی، قم، جامعه مدرسین، چ پنجم.
- راغب اصفهانی (بی‌تا)؛ **معجم مفردات الفاظ القرآن**، بیروت، دارالکتب العربی.
- شیخ صدوق، ابی‌جعفر محمد (ابن بابویه القمی) (۱۳۶۲)؛ **الخصال**، قم، جامعه مدرسین.
- شیخ صدوق، ابی‌جعفر محمد (ابن بابویه القمی) (۱۴۰۰ ق)؛ **الامالی**، بیروت، اعلمی، چ پنجم.
- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)؛ **تفسیر المیزان**، قم، اسماعیلیان.
- طبرسی، فضل بن حسن حفید (۱۳۸۵ ق)؛ **مشکاه الانوار**، نجف، حیدریه.
- عبدالقومی مندری، عبدالعظیم (۱۴۲۲ ق)؛ **الترغیب و الترهیب**، بیروت، دارالتراث العربی.
- فیض کاشانی، ملامحسن (بی‌تا)؛ **مهجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء**، ج ۱، شرح علی‌اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی.
- کلینی رازی، ابی‌جعفر محمد بن یعقوب (بی‌تا)؛ **اصول کافی**، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، اسلامیه.
- کلینی رازی، ابی‌جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)؛ **التکافی**، تهران، اسلامیه، چ دوم.
- گلشنی، مهدی (۱۳۸۵)؛ **از علم سکولار تا علم دینی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ سوم.

تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور ♦ ۲۵

- گلشنی، مهدی (۱۳۷۸)؛ قرآن و علوم طبیعت، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ چهارم.
- گنجینه روایات نور (اولین نسخه الکترونیکی جامع احادیث اهل بیت علیهم السلام با ترجمه فارسی) (۱۳۸۵)؛ قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۲۴ ق)؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدتقی (بی تا)؛ بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد (بی تا)؛ میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۳)؛ میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران، دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۴۱)؛ «فریضة علم»، گفتار ماه، جلد ۲، تهران، کتابفروشی صدوق.